

Preliminary Report of Archaeological Excavation of Kaboud - Circular Site of Maragheh (East Azerbaijan, Iran)

Saeid Sattarnezhad ^{1*}, Mohammad Rahmatpour ², Javad Jaleh Aghdam ³

1. PhD Student in Archeology, Faculty of Social Sciences, Mohaghegh Ardabili University, Ardabil, Iran
2. Master of Arts, Faculty of Art and Architecture, Shabestar Branch, Islamic Azad University, Tabriz, Iran
3. Bachelor of Archeology, Faculty of Humanities, Abhar Branch, Islamic Azad University, Tabriz, Iran

Article Info

Original Article

Received: 2021/03/02;
Accepted: 2021/04/18;
Published Online: 2021/05/05

 10.30699/athar.42.1.62

Use your device to scan
and read the article online



Corresponding Author

Saeid Sattarnezhad

PhD Student in Archeology,
Faculty of Social Sciences,
Mohaghegh Ardabili
University, Ardabil, Iran

Email:

saeidsattarnezhad@yahoo.com

ABSTRACT

Maragheh is one of the oldest cities in Azerbaijan province, Iran. However, it has been neglected archaeologically and the available information about the history of settlement in its context is very limited; therefore, the results of archaeological excavations in the historical context of Maragheh, can have valuable information about the history of its establishment, development and physical expansion in different periods.

The present study is the results of the second chapter of the archaeological excavation of the Kaboud-Circular Site. In this study, based on the results of an archaeological excavation chapter and relying on written sources of the Islamic period, the authors seek to answer the following questions: 1- Based on the results of archaeological excavations, what is the history of settlement in this area? 2. What are the most important cultural findings obtained from the archaeological excavation of the Kaboud-Circular Site and to what extent are these data compatible with written sources? The results of the excavation of the trenches show that there is evidence of permanent settlement in this area from the historical (Parthian) to the contemporary period. Also, a comparative study of excavation data with descriptions of written sources from the Islamic period shows that this area was known as a part of the "Qozzat" neighborhood during the Seljuk period. It has buildings such as a school, a mosque and the tombs of the Seljuk Atabaks, especially the tomb of the Abbasid Caliph. Other results show that the number of tomb towers in this area is 5, which is compatible with the five domes of Atabakan Seljuk.

Keywords: Maragheh, Archaeological excavation, Islamic era, Five domes, Kaboud-circular.

Copyright © 2021. This open-access journal is published under the terms of the Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International License which permits Share (copy and redistribute the material in any medium or format) and Adapt (remix, transform, and build upon the material) under the Attribution-NonCommercial terms.

How to Cite This Article:

Sattarnezhad, S., Rahmatpour, M., & Jaleh Aghdam, J. (2021). Preliminary Report of Archaeological Excavation of Kaboud - Circular Site of Maragheh (East Azerbaijan, Iran). *Athar*, 42(1), 62-80. Retrieved from <http://athar.richt.ir/article-2-684-en.html>

مقاله پژوهشی

گزارش مقدماتی کاوش باستان‌شناختی محوطه کبود - مدور مراغه (آذربایجان شرقی، ایران)

سعید ستارنژاد^{۱*}، محمد رحمت پور^۲، جواد ژاله اقدام^۳

۱. دانشجوی دکتری، گروه باستان‌شناسی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه محقق اردبیلی، اردبیل، ایران
۲. کارشناسی ارشد هنر، دانشکده هنر و معماری، واحد شبستر، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز، ایران
۳. کارشناس باستان‌شناسی، دانشکده علوم انسانی، واحد ابهر، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز، ایران

اطلاعات مقاله	خلاصه
دریافت: ۱۳۹۹/۱۲/۱۲ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۱/۲۹ انتشار آنلاین: ۱۴۰۰/۰۲/۱۵	مراغه از لحاظ پیشینه، یکی از شهرهای کهن آذربایجان ایران است. با این حال از نظر باستان‌شناختی مورد بی‌توجهی قرار گرفته و اطلاعات موجود درباره پیشینه استقرار در بافت آن بسیار محدود است. شواهد باستان‌شناختی به‌دست‌آمده از اطراف شهر مراغه، وجود آثاری از دوره‌های مختلف فرهنگی (پارینه‌سنگی قدیم و میانی تا اسلامی) را نشان می‌دهد. بر همین اساس نتایج کاوش‌های باستان‌شناختی در بافت تاریخی مراغه نیز، می‌تواند اطلاعات بارزتری از پیشینه استقرار، توسعه و گسترش کالبدی آن در دوره‌های مختلف داشته باشد. پژوهش حاضر نتایج فصل دوم کاوش باستان‌شناختی محوطه کبود - مدور است. در این پژوهش نگارندگان بر اساس نتایج حاصل از یک فصل کاوش باستان‌شناختی و با تکیه بر منابع مکتوب دوران اسلامی و به روش توصیفی - تطبیقی و تحلیلی - تاریخی به دنبال پاسخ به پرسش‌های زیر هستند: ۱- بر اساس نتایج کاوش باستان‌شناختی، پیشینه استقرار در این محوطه به چه دورانی بازمی‌گردد؟ ۲- مهم‌ترین یافته‌های فرهنگی به دست‌آمده از کاوش باستان‌شناختی محوطه کبود - مدور چیست و این داده‌ها تا چه اندازه قابل انطباق با منابع مکتوب است؟ نتایج کاوش ترانسه‌ها مشخص کرد در این محوطه، شواهدی از استقرار دائم (احتمالاً اشکانی) تا معاصر وجود دارد. همچنین مطالعه تطبیقی داده‌های کاوش با توصیفات منابع مکتوب دوران اسلامی، نشان می‌دهد که این محدوده در دوران سلجوقی با عنوان قسمتی از محله «قُضات» شناخته می‌شد و دارای بناهایی چون مدرسه، مسجد و مقابر اتابکان سلجوقی به‌خصوص مقبره مسترشد بالله خلیفه عباسی بوده است. نتایج دیگر پژوهش نشان می‌دهد که تعداد برج‌مقبره‌ها در این محدوده ۵ عدد بوده که قابل انطباق با موقعیت پنج‌گنبدان اشاره شده در منابع مکتوب است.
نویسنده مسئول: سعید ستارنژاد دانشجوی دکتری، گروه باستان‌شناسی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه محقق اردبیلی، اردبیل، ایران پست الکترونیک: sacidsattarnejad@yahoo.com	کلیدواژه‌ها: مراغه، کاوش باستان‌شناختی، منابع اسلامی، پنج‌گنبدان، کبود - مدور.

حق کپی‌رایت انتشار: این نشریه دارای دسترسی باز، تحت قوانین گواهی‌نامه بین‌المللی Creative Commons Attribution 4.0 International License منتشر می‌شود که اجازه اشتراک (تکثیر و بازآرایی محتوا به هر شکل) و انطباق (بازترکیب، تغییر شکل و بازسازی بر اساس محتوا) را می‌دهد.

ستارنژاد سعید، رحمت پور محمد، ژاله اقدام جواد (۱۴۰۰). گزارش مقدماتی کاوش باستان‌شناختی محوطه کبود - مدور مراغه (آذربایجان شرقی، ایران). فصلنامه علمی آذر، ۴۲(۱)، ۶۲-۸۰.

مقدمه

باستان‌شناسی به سرپرستی رالف سولکی (Solecki, 1969) انجام شد. در گمانه‌های کاوش شده، قطعات سفال، استخوان حیوانی و چند قطعه تیغهٔ ابسیدینی به دست آمد. بررسی‌های بعدی قیزلارقالاسی شواهدی از عصر آهن، دوران اشکانی و اسلامی (قرون میانی و متأخر) را نشان داد. این کاوش‌ها و بررسی‌ها، عموماً در شناخت وضعیت فرهنگی منطقه، کمک شایانی می‌کند با این حال اطلاعات چندانی از وضعیت پیشینهٔ استقرار در بافت تاریخی مراغه ارائه نمی‌دهند ۲- فصل نخست^۱ کاوش باستان‌شناختی در محوطهٔ کبود - مدور توسط هیئتی به سرپرستی علی‌رضا هژبری نوبری در سال ۱۳۸۰ که تا کنون گزارش نتایج آن منتشر نشده است. همین عوامل باعث شده تا دانسته‌های محققین درباره پیشینهٔ استقراری در بافت مرکزی شهر محدود و عموماً متکی به فرضیات ضعیف بدون پشتوانهٔ علمی باشد. بر همین اساس لزوم مطالعهٔ نتایج حاصل از کاوش باستان‌شناختی بافت تاریخی مراغه، برای شناخت وضعیت دوره‌های استقراری آن ضروری است. از طرفی نتایج این کاوش، شناخت بهتر از وضعیت هستهٔ مرکزی شهر، توسعه و گسترش کالبدی شهر، در دوره‌های مختلف به‌خصوص سده‌های میانی اسلام دارد؛ بر همین اساس با کاوش باستان‌شناختی محوطهٔ کبود - مدور و تطبیق آن با منابع مکتوب دوران اسلامی، وضعیت گاه‌نگاری بافت تاریخی این قسمت از مراغه، تا حدودی روشن شود. بنابراین در مقالهٔ حاضر تلاش گردید تا نتایج کاوش باستان‌شناختی محوطهٔ کبود - مدور ارائه و با استفاده از آن به گاه‌نگاری علمی این شهر مبادرت گردد.

روش پژوهش

پژوهش حاضر به شیوهٔ میدانی و کتابخانه‌ای انجام شده است. در شیوهٔ میدانی، کاوش باستان‌شناختی در محوطهٔ کبود - مدور انجام شد. روش ثبت و ضبط در کاوش این محوطه، بر اساس شیوهٔ ثبت و ضبط اطلاعات، لوکوس - لوکوس بود که شماره لوکوس‌ها از عدد ۱۰۰ آغاز شده است.

مراغه از شهرهایی است که مورخان و جغرافیدانان دوران اسلامی به آن اشاره‌های فراوانی کرده‌اند (IbnKhordadbeh, 1989, P. 124; Ibn ruste, 1982, P. 272; Qazvini, 1995, P. 624; Hudūd al-‘Ālam, 2002, P. 164; Hamavi, 1947, Vol, 5, P. 109). این شهر در مسیر اصلی راه‌های ارتباطی منطقهٔ شمال غرب ایران (آذربایجان) در سده‌های ۲ تا ۸ ه.ق. بود و یکی از شهرهای بزرگ و مشهور ایالت آذربایجان محسوب می‌شد (Qazvini, 1995, P. 642). مراغه مدتی نیز به‌عنوان دارالملک آذربایجان و ایران انتخاب شده است (Lesterling, 1998, P. 176). همین موقعیت خاص و اهمیت آن در سده‌های میانی اسلامی باعث شکوفایی شهر گردید. آثار تاریخی مختلفی از این دوران در مراغه باقی مانده است. با این حال تا کنون از نظر باستان‌شناسی مورد کم‌توجهی قرار گرفته است. به همین دلیل، دانسته‌های موجود درباره سابقه و تاریخ آن بسیار محدود بوده و عمدهٔ اطلاعات به دست آمده متکی به منابع مکتوب دوران اسلامی است (Sattarnejad, 2020, P. 397). یکی از معضلات موجود در زمینه گاه‌نگاری شهر مراغه، کمبود مستندات باستان‌شناختی است. این معضل از اینجا ناشی می‌شود که قبل از پژوهش حاضر، برنامه پژوهشی با هدف مطالعه گاه‌نگاری بافت تاریخی شهر مراغه انجام نپذیرفته بود و معدود مطالعات تاریخی و باستان‌شناسی به‌صورت کلی به وضعیت شکل‌یابی و توالی دوره‌های فرهنگی آن پرداخته‌اند.

در شهرستان مراغه، کاوش‌ها و بررسی‌های معدود باستان‌شناختی در سال‌های گذشته به دو طریق انجام شده است: ۱- کاوش‌های انجام شده در خارج از بافت تاریخی شهر از قبیل سه فصل کاوش در سال‌های ۱۳۵۱، ۱۳۵۴ و ۱۳۵۵ در تپهٔ رصدخانه توسط هیئتی به سرپرستی پرویز ورجاوند و علی‌اکبر سرفراز (Varjavand, 2005) که نتایج آن منجر به کشف بقایایی از رصدخانهٔ خواجه نصیرالدین طوسی متعلق به سدهٔ ۷ ه.ق. شد. گمانه‌زنی در محوطهٔ قیزلار قالاسی و غار کبوتر توسط محمود موسوی از هیئت کاوش

کاوش باستان‌شناختی محوطه کبود - مدور برای نخستین بار در سال ۱۳۸۰ به سرپرستی علیرضا هژبری نوبری انجام شد. با این حال تا کنون نتایج گزارش آن منتشر نشده است. کاوش مجدد این محوطه در سال ۱۳۹۷ به سرپرستی محمد رحمت‌پور آغاز شد. پژوهش حاضر نتایج مقدماتی گزارش این کاوش است که اطلاعات ارزنده‌ای درباره پیشینه استقراری بافت تاریخی شهر مراغه دارد.

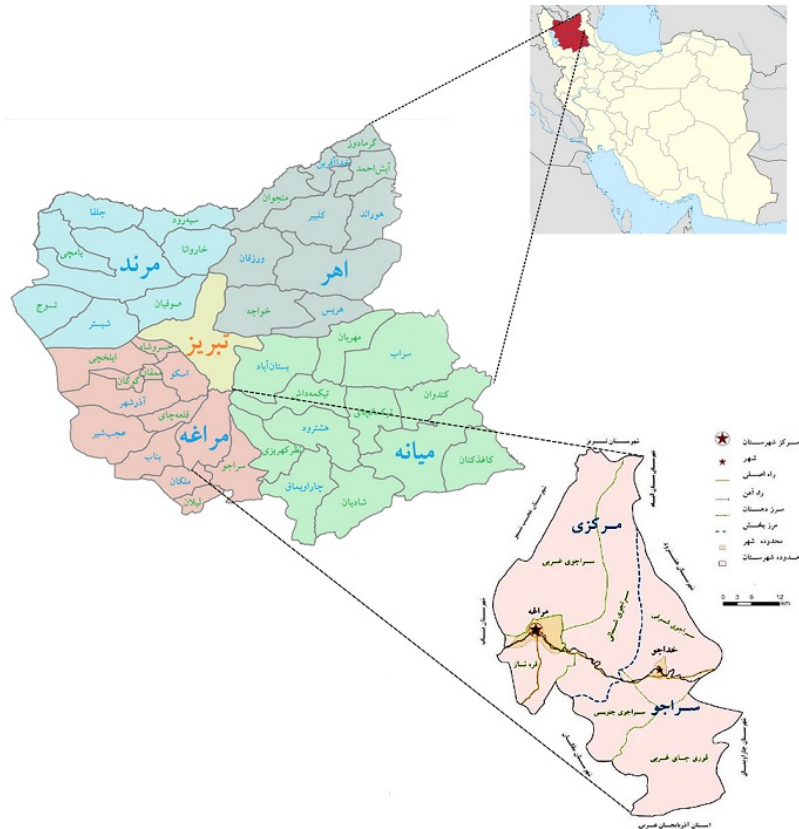
موقعیت جغرافیایی منطقه مورد مطالعه

مراغه که در اوایل دوران اسلامی با نام «آق‌راه روز/افراه‌روز» شناخته می‌شد، در منطقه شمال غرب ایران در دامنه‌های جنوبی کوهستان سهند قرار دارد. مهم‌ترین عامل شکل‌گیری شهر، جریان رودخانه دائمی صوفی‌چای است (شکل ۱). این رودخانه از دامنه‌های جنوبی کوه سهند سرچشمه گرفته و در حاشیه آن آثار متعدد از دوران‌های مختلف وجود دارد. براساس روایات محلی تاریخ‌نگاری مراغه به قبل از اسلام بازمی‌گردد (Morvarid, 1989, P. 611). با وجود این، تا کنون شواهد متقن از دوران پیش از تاریخ کشف و شناسایی نشده است. مطالعه منابع مکتوب سده‌های ۳ و ۴ ه.ق. نشان می‌دهد مراغه در اوایل دوران اسلامی به‌صورت یک روستای کوچک در ایالت آذربایجان بوده است (al-Baladhuri, 1988, P. 463). این شهر به‌دلیل موقعیت جغرافیایی که بر سر مسیر ارتباطی بوده به‌تدریج پیشرفت کرده و در سده‌های میانی اسلامی، پایتخت اتابکان سلجوقی و حاکمان اولیه ایلخانیان (Mostofi, 2002, P. 134) انتخاب شده و به‌عنوان یکی از ضرابخانه‌های این دوران فعالیت داشته است. پس از این دوران، به‌تدریج ساختار سیاسی، مذهبی، اقتصادی و اجتماعی مراغه شکل منسجم‌تری پیدا کرد و فضاهای معماری متناسب با این ساختارها در هسته اصلی شهر شکل گرفت.

در مرحله کتابخانه‌ای ضمن مطالعه داده‌های فرهنگی به‌دست آمده از کاوش محوطه، به تجزیه و تحلیل این یافته‌ها پرداخته و با روش مطالعه تطبیقی، گاه‌نگاری نسبی برای این آثار ارائه شده است. به‌طور کلی روش مورد استفاده در این پژوهش توصیفی - تطبیقی و تحلیلی - تاریخی است و حاصل نتایج کاوش باستان‌شناختی و منابع مکتوب دوران اسلامی است.

پیشینه پژوهش

پیشینه پژوهش درباره محوطه کبود - مدور را از دو جنبه می‌توان مورد بررسی قرار داد. ۱. توصیف و پژوهش درباره برج‌مقبره‌های کبود و مدور ۲. کاوش باستان‌شناختی محوطه؛ درباره برج‌مقبره‌های کبود - مدور در منابع مکتوب دوران اسلامی اشاره‌هایی شده است؛ از جمله هندوشاه نخجوانی در سده ۷ ه.ق. در کتاب تجارت السلف به پنج‌گنبدان در حیاط مدرسه اتابکیه محله قضات مراغه اشاره کرده است (Hindushah, 1979, P. 296)، غیاث‌الدین خواندمیر تاریخ‌نگار سده ۱۰ ه.ق. در کتاب حبیب السیر فی اخبار افراد البشر از مقابر اتابکان سلجوقی در مراغه نام برده است (Khwandmir, 2001, Vol. 2, P. 181)، در دوران قاجاریه افرادی چون رابرت باین، جیمز موریه، عبدالحسین میرزا فرمان‌فرما، آنتوان سوروگین، اوژن اوین و غیره به توصیف این بناها پرداخته و گاهی اقدام به تصویربرداری از این بناها کرده‌اند. پژوهشگرانی خارجی و داخلی چون ژاک دمورگان (De Morgan, 1897)، آندره گدار (Godard, 1934, Vol. 4, PP. 91-92)، ارنست هرتسفلد (Herzfeld, 1936, PP. 91-92)، ولفرام کلایس (Kleiss, 1969, P. 40)، هیلن براند (Brand, 1974, P. 94)، کارل بیر (Bier, 2012)، عبدالعلی کارنگ، اسماعیل دیباج، غلامعلی حاتم، عباس دانشوری و غیره به مطالعه این بناها پرداخته‌اند.



شکل ۱. موقعیت جغرافیایی شهرستان مراغه (Sattarnezhad et al., 2020, P. 58)

کاوش باستان‌شناختی محوطه کبود - مدور
 محوطه کبود - مدور در داخل بافت تاریخی مراغه و محدوده خیابان خواجه نصیر و پشت بانک ملی شعبه مرکزی، در مختصات جغرافیایی $46^{\circ}14'35.2''E$ و $23^{\circ}37'25.0''N$ واقع شده است (شکل ۲). در محدوده این برج‌مقبره‌ها، آثاری تاریخی چون مسجد شهیدین (حجت‌السلام/ زنجیرلی/ شهدا)، حمام خان، سرای شادادیه، خانه محمدی قرار دارد. کاوش باستان‌شناختی فصل دوم محوطه کبود - مدور در تابستان سال ۱۳۹۷ به مدت ۴۵ روز انجام شد. در این کاوش از روش لوکوس - لوکوس (Locus - Locus) برای ثبت و ضبط اطلاعات استفاده

مهم‌ترین دوره سکونت در مراغه به سده ۷ و ۸ ه.ق. بازمی‌گردد. در این دوره، حاکمان اولیه ایلخانی این شهر را به‌عنوان پایتخت انتخاب کردند (Ibn Fuvati, 1996). در این دوره بخشی از درآمد حاصل از مالیات حکومت ($\frac{1}{10}$)، در مراغه صرف علم می‌شد به طوری که بزرگ‌ترین و مهم‌ترین رصدخانه سده میانی اسلام در این شهر به دستور خواجه نصیرالدین طوسی احداث شد (Nasir al-Din al-Tusi, 1989, P. 20). پس از این دوران درخشان، مراغه به‌عنوان یکی از شهرهای مهم جهان اسلام مطرح گردید. در این شهر آثار متنوعی از دوره‌های مختلف فرهنگی باقی مانده که نشان از جایگاه مهم مراغه در تحولات تاریخی ایران است.

دوره‌های مختلف فرهنگی و سایر شواهد فرهنگی شد (جدول ۱). نتایج این یافته‌ها نشان داد که این قسمت از بافت مراغه، در سده‌های میانی از اهمیت بالایی برخوردار بوده است.

یافته‌های فصل دوم کاوش محوطه کبود - مدور

در ترانسه‌های کاوش شده محوطه کبود - مدور، یافته‌های فرهنگی چون قطعات سفال، فلز، کاشی، ساختارهای معماری کشف و شناسایی شد. این یافته‌ها از لایه‌های کاوش شده ترانسه‌ها به دست آمده است و مستندنگاری شده‌اند. به یافته‌های به دست آمده در محل کاوش، شماره ثبتی اختصاص داده شد و سپس مورد مطالعه و تجزیه و تحلیل قرار گرفتند. این داده‌های فرهنگی به‌خصوص قطعات سفال، اطلاعات مناسبی از وضعیت سفالگری مراغه در سده‌های میانی اسلامی ارائه داد. قبل از این کاوش، اطلاعات درباره سفال‌های دوران اسلامی مراغه، محدود به ظروف سفالی موزه ایلخانی و کاوش تپه رصدخانه بود. با این حال شناسایی و معرفی سفال‌های محوطه کبود - مدور، شناخت بهتری از وضعیت سفالگری مراغه در دوران اسلامی ارائه می‌دهد. همچنین نتایج ساختارهای معماری شناسایی شده، در شناخت پیشینه بناهای عام‌المنفعه به‌خصوص مدارس در مراغه حائز اهمیت است.

شده است. با توجه به گودبرداری‌های انجام‌شده به‌منظور ساخت‌وساز در اطراف بناها، وضعیت محوطه بسیار آشفته بود. با این حال پس از بررسی وضعیت محوطه، تعداد ۱۰ ترانسه با اسامی I, I6, I5, H6, H5, C6A, II, E4, G7, H7 با اهداف از پیش تعیین شده، چون مشخص کردن وضعیت لایه‌های استقرار، ساختارهای معماری، تعیین عرصه و حریم برج‌مقبره‌ها و خانه تاریخی محمدی و آزمون و خطا کردن فرضیه محل پنج‌گنبدان، در محل‌هایی معین در ابعاد مختلف ایجاد شد. نتایج ترانسه‌های کاوش شده، اطلاعات مناسبی درباره بافت تاریخی مراغه ارائه داد.

ترانسه‌های کاوش شده

در محوطه کبود - مدور تعداد ۱۰ ترانسه در محل‌های مختلف ایجاد شد. نام‌گذاری ترانسه‌ها بر اساس موقعیت قرارگیری ترانسه‌ها در داخل نقشه شبکه‌بندی محوطه انتخاب گردید. ترانسه I با عنوان ترانسه لایه‌نگاری محوطه انتخاب گردید. در این ترانسه، تعداد ۱۲۸ لوکوس (LOC 101-128) شناسایی شد. نتایج کاوش در این ترانسه مشخص کرد که حداقل در این قسمت از محدوده شهر، تا عمق ۶ متری از نقطه ثابت (کف سردابه برج‌مقبره‌ها) لایه‌های استقرار وجود دارد. نتایج سایر ترانسه‌ها منجر به شناسایی قسمت‌های از بقایای پی مدور ساختارهای معماری برج‌مقبره شماره ۳ و ۴، قسمتی از ساختارهای معماری سده‌های میانی و متأخر اسلامی، قطعات سفالی متعلق به



شکل ۲. موقعیت ترانسه‌های کاوش شده در محوطه کبود - مدور (Yazdanfar et al., 2016, P. 29 ; Google earth)

جدول ۱. ترانسه‌های کاوش شده محوطه کبود - مدور (Authors, 2021)

ترانسه	موقعیت به برجها	UTM	ابعاد (M)	عمق پایانی -CM	توضیحات
I	سمت غربی	E"۲۰.۰۲'۱۴°۴۶	۱/۵×۱	-۵۸۲	لایه‌های استقراری از دوره‌های اتابکان سلجوقی، ایلخانی، صفوی و قاجار و معاصر شناسایی شد.
	برج مقبره مدور	N"۲۵.۸۱'۲۳°۳۷			
I6	۴ متری	N"۲۵.۵۳'۲۳°۳۷	۱۰×۱۰	-۳۵۰	قسمتی از بقایای ساختار معماری پی برج مقبره ۳ شناسایی شد.
	شمال غربی مدور	E"۲۰.۴۷'۱۴°۴۶			
I5	شمال برج	N"۲۵.۵۶'۲۳°۳۷	۱۰×۱۰	-۳۰۰	قسمتی از بقایای ساختار معماری پی برج مقبره ۳ و سازه‌های دوران معاصر شناسایی شد. کف سازی با سنگ‌های تراش خورده.
	مدور	E"۲۰.۷۵'۱۴°۴۶			
H6	ضلع غربی	N"۲۵.۶۱'۲۳°۳۷	۱۰×۱۰	-۳۲۰	قسمتی از بقایای ساختار معماری پی برج مقبره ۳ شناسایی شد.
	ترانسه I6	E"۲۰.۳۳'۱۴°۴۶			
H 5	شمال ترانسه	N"۲۵.۲۴'۲۳°۳۷	۱۰×۱۰	-۲۸۰	قسمتی از کف پوش سنگی محوطه شناسایی شد.
	H6	E"۲۰.۱۵'۱۴°۴۶			
C 6 A	ضلع غربی	E"۱۸.۴۸'۱۴°۴۶	۱۰×۱۰	-۴۸۰	قسمتی از بقایای معماری به دست آمد.
	کبود مدور	N"۲۵.۷۸'۲۳°۳۷			
II	شمال مدور	N"۲۵.۵۶'۲۳°۳۷	۲×۲	-۴۵۰	قسمتی از بقایای معماری، تنور کشف شد.
		E"۲۱.۱۳'۱۴°۴۶			
E 4	۳۸ متری	N"۲۶.۰۹'۲۳°۳۷	۱۰×۱۰	-۸۳۶	بقایای معماری (قلوه سنگی) و شواهد فرهنگی چون سفال آهن بدون ارتباط با لایه‌های استقراری شناسایی شد.
	شمال غربی مدور	E"۱۹.۵۴'۱۴°۴۶			

ساختارهای معماری

در ترانسه‌های کاوش شده به جز ترانسه I شواهدی از ساختارهای معماری متنوع به دست آمد. این ساختارهای معماری شامل قسمتی از پی مدور برج مقبره‌های شماره ۳ و ۴ بود. این برج مقبره‌ها دارای پلان مدور با ساختار سنگی و

ملاط گچ و آهک هستند. سنگ‌های قسمت ازاره از نوع سنگ‌های معدنی بومی مراغه (سینجان) بوده که دارای تراش مناسبی هستند. این سنگ‌ها متناسب با کارکردشان در ساختار معماری برج مقبره در ابعاد مختلف تراشیده شده‌اند. سنگ‌های قسمت درونی ساختار بناها، عموماً از نوع

قلوه‌سنگ‌های رودخانه‌ای بوده که بدون تراش هستند. ساختارهای معماری شناسایی شده در این محوطه به شرح زیر است:

ساختار معماری برج‌مقبره شماره ۳: این برج‌مقبره در سمت غربی برج‌مقبره مدور قرار دارد. ساختار پی بنا، سنگی با ملاط گچ و آهک است. بنا همانند نمونه مشابه خود یعنی برج‌مقبره مدور به صورت توپر ساخته شده و سردابه هم سطح زمین‌های اطراف است. در داخل این سازه چاله‌ای به عمق ۳۰۰ سانتی‌متر ایجاد شده که بر اساس آن، حداقل ضخامت پی‌سازی این برج، حدود ۳ متر است. برج شماره ۴: این برج در سمت جنوبی برج شماره ۳ و به فاصله ۸ متری برج‌مقبره کبود قرار دارد. ساختار معماری بنا به صورت سنگی و بیشتر از نوع سنگ‌های رودخانه‌ای بدون تراش است. از ساختار معماری بنا تنها قسمتی از ساختار دیواره سردابه آن باقی‌مانده که از نظر نحوه ساخت (سرداب پایین‌تر از سطح زمین) قابل مقایسه با سردابه مقبره کبود است. در کف این مقبره قسمتی از یک ساختار معماری (دیوار) قرار دارد که متقدم بر این مقبره است. این ساختار معماری (دیوار) نشان می‌دهد که این برج‌مقبره روی ساختارهای معماری پیشین احداث شده است.

در سایر ترانسه‌های کاوش شده، بقایای قسمتی از ساختارهای معماری شناسایی شد. این آثار معماری دارای

ساختار سنگی بوده که با ملاط گچ و آهک ساخته شده‌اند. در ترانسه Cba شواهدی از یک دیوار به عرض ۹۰ سانتی‌متر و طول آن ۴۶۰ سانتی‌متر در راستای شرقی - غربی ایجاد شده است. پی این دیوار دارای ساختار سنگ‌چین (قلوه‌سنگ) بوده که بر اساس آوار انباشت شده در اطراف آن، به نظر می‌رسد دیوار دارای ساختار آجری بوده است. ادامه کاوش در نیمه شمالی ترانسه، منجر به شناسایی تعداد ۳ عدد ساختار معماری دیگر شد. این ساختارهای معماری همانند دیوار فوق، تنها قسمتی از پی سنگ‌چین آن‌ها باقی‌مانده است. عرض این ساختارها حدود ۷۰ الی ۱۵۰ سانتی‌متر بوده که در راستای شمالی - جنوبی ایجاد شده‌اند و ضلع جنوبی آن‌ها مماس با دیواره شرقی - غربی است. با توجه به محدودیت فضای کاوش، این ساختار به طور کامل مورد کاوش قرار نگرفت بر همین اساس، کاربری آن فعلاً نامشخص است. از ترانسه‌های II و H5 یک عدد تنور شناسایی و مستندنگاری گردید. به طور کلی ساختارهای معماری شناسایی شده در این محدوده، نشان می‌دهد که این قسمت از شهر در دوران سلجوقی و ایلخانی دارای سکونت دائم بوده و به‌عنوان بخشی از بافت تاریخی مراغه محسوب می‌شد.

جدول ۲. برخی از ساختارهای معماری شناسایی شده در کاوش ترانسه‌های محوطه کبود - مدور (Authors, 2021)

ترانسه	تصویر	توضیحات
15		قسمتی از کف پوش سنگی با سنگ‌های معدنی از نوع بومی منطقه (سینجان)، سنگ‌ها تراش خورده‌اند. این کف‌پوش سنگی مماس با ازاره برج‌هاست.

توضیحات	تصویر	ترانشه
<p>قسمتی از دیوار یک ساختار معماری با پلان چهارگوش شناسایی شد. با توجه به ضخامت دیوار به نظر می‌رسد این فضای معماری کاربری خاص در (شاید مدرسه اتابیکه) دوران اتابکان سلجوقی داشته است.</p>		<p>C6a</p>
<p>قسمتی از ساختار دیوار یک فضای معماری که با تنور برپده شده است.</p>		<p>II</p>
<p>قدیمی‌ترین شواهد از ساختار معماری شناسایی شده از کاوش محوطه کبود و مدور در عمق ۶۶۰ cm، ساختار معماری با قلوه‌سنگ‌های رودخانه‌ای و ملاط گل.</p>		<p>E 4</p>

یافته‌های سفالی

در کاوش باستان‌شناختی محوطه کبود - مدور سفال‌هایی از دوره‌های تاریخی و اسلامی به دست آمد. سفال‌های دوران تاریخی از ترانسه E4 شناسایی شد. خمیره سفال‌های مذکور در طیف رنگی نخودی روشن، نخودی تیره، قهوه‌ای تیره و روشن و نارنجی تا خاکستری و دودزده قرار دارد. آمیزه یا خمیرمایه بیشتر سفال‌های مذکور متشکل از گل رس با ماسه است. این سفال‌ها عموماً چرخ‌ساز و بدون تزیین هستند. سفال‌های دوران تاریخی این محوطه، قابل مقایسه با نمونه‌هایی از سفال‌های قلعه ضحاک هشتگرد (Ghandgar, 2003; Kleiss, 1973, PP. 184-185)، بیستون کرمانشاه (Kleiss, 1970, PP. 158-168)، قلعه بختک ملکان (Abdi & Vahedi, 2013, PP. 584-594)، قلعه ماه‌نشان زنجان، قیزلارقالاسی مراغه و غیره است.

سفال‌های دوران اسلامی به دو دسته سفال‌های بی‌لعب و سفال‌های لعاب‌دار تقسیم می‌شود. سفال‌های بدون لعاب به صورت ساده و بدون نقش و نگار هستند و پوشش گلی رقیق در طیف رنگی نخودی، قهوه‌ای تا نارنجی و خاکستری دارند. سفال‌های مذکور از نظر شکل، شامل هر دو گروه دهانه باز و بسته بوده و در انواع گونه‌های کاسه، کوزه، خمره، پیه‌سوز، بشقاب و درپوش قابل دسته‌بندی می‌باشند. تعداد محدودی از این سفال‌ها، تزئیناتی هندسی دارند که عموماً به صورت نوارهای موازی، شانهای و زیگزاگی هستند. سفال‌های لعاب‌دار شامل سفال‌های با لعاب گلی، تک‌رنگ ساده، زرین‌فام، سفال‌های اسگرافیاتو، آق کند، لعاب پاشیده، فیروزه قلم مشکی، آبی و سفید و غیره است (جدول ۳).

جدول ۳. تعدادی از سفال‌های محوطه کبود - مدور (Authors, 2021)

نمونه قابل مقایسه	ترانسه	تصویر و طرح قطعه
سلطانیه (Haddon, 2011)، زینورآباد همدان (mohammadi & Shabani Hemmati, 2016)، سامن ملایر (Azandariani et al., 2016)، شهر کهن جیرفت (Chubak, 2012, P. 103)	H 5	
حسنلو، رصدخانه مراغه، سلطانیه (Haddon, 2011)، محوطه درگزین همدان (Zarei & Sharahi, 2012)، تهیق خمین (Sedighian, 2019)	I 5	
قلعه بسطام (Kroll & Kleiss, 1979)، رصدخانه مراغه، شهر ری (reptow & Whitcomb, 2007)، ایران (Fehérvári, 1998)، موزه آشمولین (Allan, 1971)	C62	

نمونه قابل مقایسه	ترانسه	تصویر و طرح قطعه
<p>موزه برلین (Haddon, 2011), زینورآباد همدان (mohammadi & Shabani, 2016), سامن ملایر (Hemmati, 2016), (Azandariani et al., 2016, P. 198)</p>	II	
<p>قلعه بسطام (Kroll & Kleiss, 1979), شهر ری (Treptow, 2007), زینورآباد همدان (mohammadi & Shabani, 2016), تهیق خمین (Sedighian, & Sharahi, 2019)</p>	II	
<p>تخت سلیمان (Morgan, 2005), شهر ری (reptow & Whitcomb, 2007), تهیق خمین (Sedighian, 2019& Sharahi, 2017), اوجان (Velayati, 2017)</p>	II	
<p>تخت سلیمان (Morgan, 2005), ارزانفود همدان, زینورآباد همدان (mohammadi & Shabani, 2016), اوجان (Velayati, 2017)</p>	I	
<p>قلعه بسطام (Kroll & Kleiss, 1979), رصدخانه مراغه, تخت سلیمان (Haddon, 2011, P. 98), زینورآباد همدان (mohammadi & Shabani, 2016)</p>	I 6	

سایر یافته‌ها

ظرف فلزی، چند قطعه دست‌افزار سنگی (هاون)، چپق‌های سفالی دوران قاجاری و قطعات استخوان حیوانی به دست آمد (جدول ۴).

با توجه به اینکه لایه‌های فوقانی محوطه در گودبرداری سال ۱۳۹۶ به‌طور کامل از بین رفته، اطلاعات محدودی از لایه‌های استقرار و داده‌های فرهنگی لایه‌های فوقانی در دست است. با این حال در کاوش ترانسه‌های انجام شده، یک

جدول ۴. تعدادی از یافته‌های به دست آمده از کاوش محوطه کبود - مدور (Authors, 2021)

یافته	تصویر	ترانسه	توضیحات
دسته هاون سنگی		I5	یک عدد دسته‌هاون ابزارخوردده که قسمت تحتانی آن به دلیل ضربات مکرر، ساییده شده است. این دسته‌هاون سطحی صیقل خورده دارد و از سلامت مناسبی برخوردار است.
ظرف فلزی		C6a	یک عدد شی از جنس آلیاژ مفرغ است. با توجه به داشتن قبه‌های دکمه مانند در دو طرف به‌نظر می‌رسد این شی دارای درپوش بوده است. با توجه به وجود محل آبریز در یکی از اضلاع، به‌نظر می‌رسد در داخل آن مایعات ریخته می‌شده است!
کاشی		II	نمونه‌ای از آجرهای لعاب‌دار (کاشی) با رنگ فیروزه‌ای. برای اتصال در ساختار گنبد، در قسمتی از بدنه آن سوراخی ایجاد شده است. این قطعات متعلق به قسمتی از تزئینات برج‌مقبره شماره ۳ و ۴ است.

مطالعه بافت و محیط تاریخی بود که برج‌ها در آن شکل گرفته‌اند. دومین هدف، لایه‌نگاری محوطه و مطالعه آثار دوره‌های مختلفی است که پیرامون برج‌ها شکل یافته‌اند. بنابر هدف نخست که بررسی و مطالعه محوطه پیرامون برج‌ها بود،

تشریح نتایج حاصل از یافته‌های باستان‌شناختی نخست کاوش در پیرامون محوطه برج‌مقبره‌های کبود - مدور در دو هدف اساسی برنامه‌ریزی و طرح گردید؛ نخستین هدف، کاوش در پیرامون برج‌ها و محدوده‌های غربی آن برای

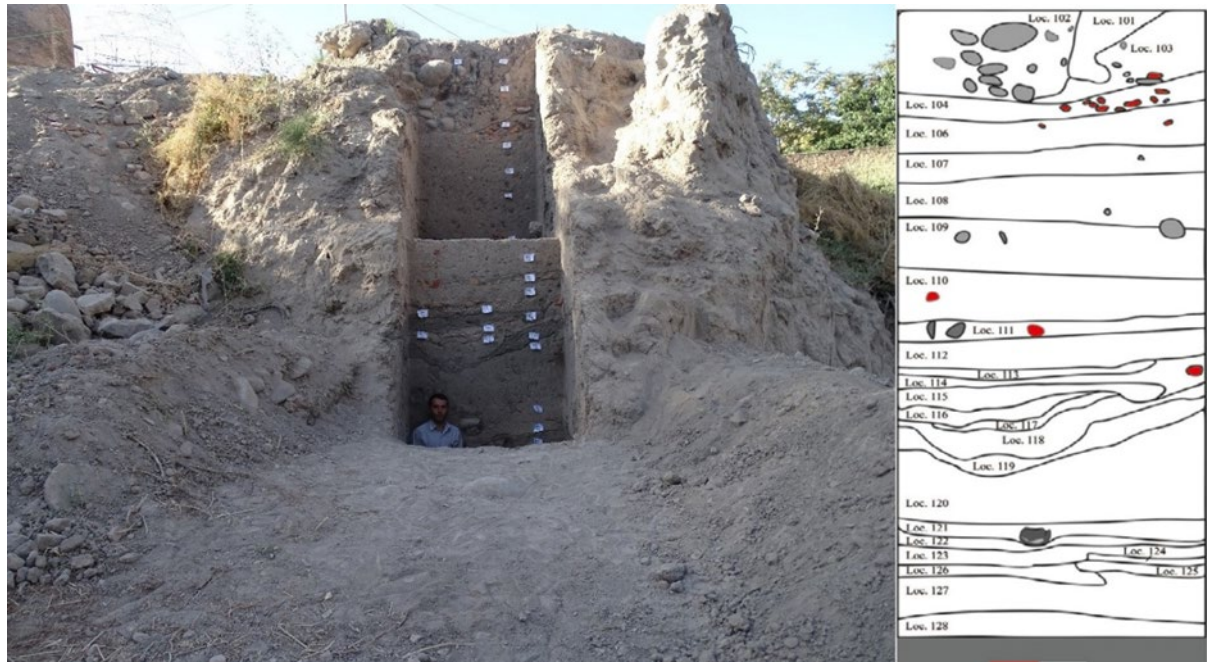
لایه‌نگاری با شناسایی حدود ۲۸ لوکوس (Loc 128) نشانی می‌دهد که در این قسمت از بافت مراغه، استقرار دائم حداقل از اوایل اسلام تا دوره معاصر وجود داشته است. همچنین در دوران اسلامی، بخشی از این محدوده دچار آب‌گرفتی شده و در سده‌های میانی (احتمالاً سده ۶ ه.ق.) آتش‌سوزی ناشی از حمله در مراغه اتفاق افتاده است. به‌طوری که لایه‌های شناسایی شده در لوکوس ۱۱۵ (Loc 115) به‌صورت انباشت خاکستر می‌باشد. ترانسه لایه‌نگاری به‌عنوان مهم‌ترین مدرک در راستای تداوم استقرارهای فرهنگی در بافت مراغه است (شکل ۳).

بیشترین تعداد ترانسه‌ها در محدوده برج‌مقبره‌های کبود و مدور متمرکز گردید. در این محدوده با کاوش ترانسه‌های I6، I5، H6، و H5 در محدوده شمال‌غربی برج مدور منجر به شناسایی بقایای یک برج با پلان مدور گردید. این برج با استفاده از مصالح سنگ و احتمالاً آجر ساخته شده است. برج مذکور نخست با پی ریزی قلوه‌سنگ و ملاط آهک به عمق حدود ۴ متر (براساس مطالعه لوکوس ۱۰۶ در ترانسه I6) ساخته شده است که پس از پی ریزی، نمای آن را سنگ‌های تراورتنی لیمویی رنگ تراش خورده پوشش داده‌اند. در قسمت غربی این برج، سه رج از نمای سنگی این برج آشکار گردید. محدوده برج نیز پس از نمای سنگی برج و مماس با آن تماماً با تخته‌سنگ‌هایی به ابعاد و اندازه‌های مختلف سنگ‌فرش شده است. وجود لایه‌های مترکم از پاره‌های آجر در گرداگرد این برج نشان می‌دهد که عمده مصالح این برج آجر بوده و کاشی‌های پراکنده در آن‌ها نیز بیانگر وجود تزئینات کاشی فیروزه‌ای در بدنه برج است. این برج تا حوالی سال ۷۲۴ ه.ق. که هندوشاه نخبجوانی از اینجا دیدن کرده، سالم بوده است. قطر برج مکشوفه ۱۰ متر و فاصله آن با برج مدور ۸ متر است. به‌نظر می‌رسد محدوده سردابه بنا نیز به مانند برج مدور هم‌سطح با زمین اطراف برج بوده است. خاکبرداری‌های مکانیکی در این محدوده آسیب‌هایی جدی به بدنه این برج رسانده است.

کاوش‌ها در محدوده غربی برج‌ها در دو ترانسه G7 و H7 درست در جایی که کاوش‌های سال ۱۳۸۰ در این

کاوش در دورترین نقطه از برج‌ها در جایی که یک محوطه باز به نزدیکی خیابان غربی محوطه منتهی می‌گشت آغاز گردید. در این منطقه کاوش در درون شبکه C6 به ابعاد ۵×۵ متر باعنوان ترانسه C6a شروع شد. با خاکبرداری و کاوش در این محدوده، نخست آثار مربوط به دوران قاجار و پهلوی که بیشتر مربوط به پی ساختمان‌ها (مربوط به پهلوی) و سیستم آبرسانی با استفاده از تنبوشه‌های سفالی از دوران قاجار و اوایل پهلوی است آشکار گردید. تداوم کاوش در لایه‌های پایین شواهدی از دوران سلجوقی و ایلخانی را مشخص کرد. در این لایه‌ها بقایای دیوار عظیمی که با استفاده از قلوه‌سنگ‌های رودخانه با ملاط آهک ساخته شده است آشکار شد. این دیواره که در امتداد طول شرقی و غربی ترانسه دیده می‌شود به پهنای یک و نیم متر و به‌طور مستحکم ساخته شده و ارتفاع آن تا یک متر حفظ شده است.

در ادامه کاوش‌ها در محدوده غربی محوطه، در جایی که شرکت عمرانی در این محدوده اقدام به خاکبرداری در ابعاد ۷۰۰۰ متر مربع کرده است، برای مطالعه از وجود لایه‌های باستانی در این محدوده که به عمق تقریبی ۵ متر از سطح اولیه قرار دارد اقدام گردید. در این محدوده، نخست برای آزمایش لایه‌های خاک در کف چاله یک گمانه آزمایشی به ابعاد ۲ متر در ۲ متر انتخاب و اقدام به کاوش و خاکبرداری گردید. در این گمانه ۷ لوکوس شناسایی و کاوش گردید. در لوکوس نخست، قسمتی از شواهد معماری شناسایی گردید. پس از این این لوکوس، انباشت طبیعی حاصل از رسوبات رودخانه‌ای آغاز شد. در داخل این رسوبات رودخانه‌ای، یک قطعه سفال (به‌نظر آهن II) و یک قطعه دست‌افزار سنگی شناسایی شد. با توجه به تراز بالای آب‌های سطحی در این قسمت، امکان تداوم کاوش وجود نداشت؛ بر همین اساس کاوش در این ترانسه یا به‌طور کلی در محدوده برج‌مقبره‌های کبود و مدور تا عمق ۸۳۶ سانتی‌متری از نقطه ثابت محوطه (کف برج‌مقبره مدور) ادامه پیدا کرد. ساختارهای معماری لوکوس سطحی این ترانسه‌ها به‌عنوان نخستین فاز معماری این قسمت از بافت تاریخی مراغه محسوب می‌شود که از این نظر حائز اهمیت است. کاوش ترانسه





شکل ۳. دورنمایی از ترانشه لایه‌نگاری (A) محوطه کبود - مدور (Authors, 2019)

یافته‌های ترانشه اول یعنی Cba حدود ۳۳ متر است. یافته‌های باستان‌شناختی نشان می‌دهد که ساختارهای معماری متعددی در این محدوده وجود داشت که بخشی از آن در عملیات گودبرداری محوطه تخریب شده و قسمتی از آن نیز در زیر لایه‌های فرهنگی قرار دارند که در صورت کاوش‌های باستان‌شناختی کشف و شناسایی خواهد شد. به‌طور کلی با استناد به شواهد باستان‌شناختی به دست آمده از فصل دوم کاوش باستان‌شناختی محوطه کبود - مدور، این قسمت از مراغه، در سده‌های میانی اسلامی بخشی از بافت تاریخی بوده است و پیشینه ساختارهای معماری در آن، حداقل به دوران پیش از احداث برج مقبره‌ها باز می‌گردد. این شواهد معماری نشان می‌دهد که مقابر این قسمت از مراغه، در داخل بافت تاریخی (محلّه قضات) قرار داشتند. در این محدوده تعداد ۵ مقبره وجود داشت (جدول ۵) که با توصیفات هندوشاه درباره پنج‌گنبدان در داخل بافت تاریخی مراغه، قابل انطباق است.

محدوده منجر به شناسایی آثار معماری در این ناحیه شده بود از سر گرفته شد. با توجه به وجود یک باب خانه مسکونی که در جانب غربی کاوشگاه بود امکان گسترش کاوش‌ها در محدوده غربی غیرممکن شد و این محدوده تنها در دو ترانشه کاوش گردید. کاوش در این گمانه‌ها نیز باعث خواناسازی آثار معماری شد که سال‌های قبل معرفی شده بودند. ادامه کاوش‌ها در ترانشه H7 باعث شد تا برج دیگری در این محدوده آشکار شود. این برج که سطح آن به وضوح پایین‌تر از سایر برج‌ها می‌باشد با استفاده از قلوه‌سنگ‌های رودخانه‌ای ساخته شده است و دیوار قطوری دارد. فضای درونی دیواره که فضای سردابه آن را شکل می‌دهد به شکل گرد می‌باشد. فاصله این برج نیز از برج مکشوفه اخیر ۷/۵ متر است. همچنین مطالعه نتایج کاوش قبلی نشان می‌دهد فضاهای معماری متعددی در حاشیه غربی این برج موجود بوده که امتداد آن‌ها به زیر ساختمان مسکونی موجود در غرب این برج کشیده شده است و امکان مطالعه آن در وضعیت موجود محوطه ممکن نمی‌باشد. فاصله این برج نیز نسبت به

جدول ۵. برج مقبره‌های شناسایی شده در محوطه کبود - مدور (Authors, 2021).

توضیحات	تصویر	برج مقبره
<p>متعلق به دوران سلجوقی (۵۸۳ ه.ق.)، پلان چند ضلعی، کاشی‌کاری به رنگ فیروزه‌ای، ساختار آجری و سردابه سنگ‌های تراش‌خورده.</p>		<p>کبود</p>
<p>متعلق به دوران سلجوقی (۵۶۳ ه.ق.)، پلان مدور، کاشی‌کاری به رنگ فیروزه‌ای، ساختار آجری و سردابه سنگ‌های تراش‌خورده، سردابه هم سطح زمین‌های اطراف است.</p>		<p>مدور</p>
<p>پلان مدور، ساختار پی‌سنگی از نوع قلوهای، سردابه هم‌سطح زمین‌های اطراف، احتمالاً آجرکاری و کاشی‌کاری به رنگ فیروزه‌ای داشته است.</p>		<p>برج شماره ۳</p>

توضیحات تصویر برج مقبره

پلان از درون مدور و بیرون چند ضلعی، ساختار سردابه سنگی از نوع قلوه‌سنگ رودخانه‌ای و ازارة بیرونی سنگ‌های معدنی مکعبی شکل تراش‌خورده، سردابه همانند برج کبود پایین‌تر از سطح زمین (درون زمین) ایجاد شده است. از نظر چندضلعی بودن ساختار و پایین بودن سردابه بسیار شبیه به برج مقبره کبود است.



برج شماره
۴

به دلیل محدودیت فضای موجود در محوطه برای ایجاد ترانسه‌های کاوش، برج مقبره شماره ۵ شناسایی نشد؛ با این حال براساس گفته اهالی، موقعیت تقریبی این برج در محدوده شمال و شمال شرقی برج مدور قرار دارد! همچنین مقبره مسترشد به‌صورت یک بنای آجری با پلان مستطیلی نیز در این محدوده قرار داشت که تصاویری از آن در آلبوم علی خان والی موجود است.



برج شماره
۵

نتیجه‌گیری

محوطه کبود - مدور به‌عنوان نخستین کاوش علمی به منظور روشن کردن وضعیت لایه‌های استقرار در این قسمت از بافت تاریخی شهر انجام شد. بر این اساس با اتکا به اطلاعات به دست آمده از کاوش محدوده برج مقبره‌های کبود و مدور نتایج درخور توجه زیر حاصل شده است: ۱- استقرار در این قسمت از شهر، تا عمق ۶ متری از نقطه ثابت (کف سردابه برج مقبره‌ها) ادامه دارد. براساس سفال‌های به

همان‌طور که در متن مقاله اشاره شد، یکی از معضلات اساسی درباره پیشینه استقرار در بافت تاریخی مراغه، نبود مطالعات منسجم باستان‌شناختی است. همین عامل باعث شده تا پژوهشگران محلی بدون اتکا به داده‌های ملموس مادی به ارائه فرضیات بپردازند که باعث آشفتگی و ارائه نظریات ضد و نقیض شده که بیشتر آن‌ها بدون پشتوانه علمی است. بر همین اساس نتایج کاوش باستان‌شناختی

اصل، ذکریا جلالی، یعقوب طالبی و لیلا افشاری که در مدت انجام این کاوش زحمات زیادی را متحمل شده‌اند سپاسگزاری می‌شود.

منابع مالی

منابع مالی این مطالعه توسط نگارندگان تهیه شده است.

تعارض منافع

بین نگارندگان هیچ‌گونه تعارضی در منافع وجود ندارد و سهم نگارندگان از منافع این مقاله برابر است.

پی‌نوشت

۱- فصل نخست کاوش در محوطه کبود - مدور در سال ۱۳۸۰ به سرپرستی علیرضا هژبری نوبری انجام شد که تاکنون نتایج آن منتشر نشده است؛ بر همین اساس کاوش سال ۱۳۹۷ با عنوان فصل دوم کاوش باستان‌شناختی محوطه کبود - مدور محسوب می‌شود.

دست آمده، پیشینه استقرار (؟) حداقل در این قسمت از شهر به دوران تاریخی (اشکانی؟) بازمی‌گردد و از اوایل اسلام شاهد تداوم لایه‌های فرهنگی هستیم. لذا شایسته است برای شناخت بهتر از وضعیت استقرار دائم در هسته مرکزی مراغه، کاوش‌هایی در محدوده مسجد اتابکی (شجاع‌الدوله) و شیخ‌تاج به سمت مسجد ملارستم در نظر گرفته شود. ۲- این قسمت از محدوده بافت مراغه، در دوران سلجوقی دارای بناهای چون مدرسه، مسجد، برج‌مقبره بوده است. ۳- توصیفات هندوشاه نجوانی درباره پنج‌گنبدان در مراغه و مقبره خلیفه عباسی (مسترشد بالله) در این محل شناسایی شد. ۴- این محدوده در دوران سلجوقی با نام محله «قضات» شناخته می‌شد. ۵- بر اساس کاشی‌های به دست آمده از کاوش، دو برج‌مقبره دیگر، دارای تزئینات کاشی‌کاری به رنگ فیروزه‌ای بوده است. به‌طور کلی برآیند یک فصل کاوش منسجم باستان‌شناختی در این محدوده شناخت بهتری از تاریخ مراغه در دوره‌های مختلف فرهنگی به‌خصوص دوران اسلامی (قرون میانی) ارائه داد.

سپاسگزاری

از تمام دوستان بزرگوار به‌خصوص از جناب آقای بهروز عمرانی، مهندس آبدار، علیرضا قوچی، حسین اسماعیلی عتیق، قادر ابراهیمی، توحید همی آرقون، حسن کاظم‌نژاد

References

- Abdi, S., & Morteza, V. (2016). Study and comparison of Bakhtak Castle Leylan pottery with neighboring areas, In: *Proceedings of the Conference on Pottery and Archeology*, by Hossein Alizadeh, Islamic Azad University, Middle Branc, 584-594.
- Allan, J. W., & Ashmolean Museum (Oxford), (1971). *Medieval Middle Eastern Pottery*. Oxford: Ashmolean Museum.
- Bier, C. (2012). The decagonal tomb tower at Maragha and its architectural context: lines of mathematical thought. *Nexus Network Journal*, 14(2), 251-273.
- al-Baladhuri, A. (1988). *Futuh al-Buldan*, translated by Mohammad Tavakol, Tehran, Silver Publications.
- Chubak, H. (2012). Pottery of the Islamic period of the ancient city of Jiroft. *Archaeological studies*, (4)1, Serial Number 5, 83-112.
- Danti, M. (2004). The Ilkhanid Heartland: Hasanlu Tepe (Iran) Period I, Hasanlu Excavation

- Reports 2. *Philadelphia: University of Pennsylvania Museum.*
- De Morgan, J. (1904). *Mission Scientifique en Perse* (Vol. 4). Leroux.
- Fehérvári, G. (1998). *Pottery of the Islamic world: in the Tareq Rajab Museum.* IB Tauris & Company Limited.
- Ghandgar, J. (2003). *Archaeological excavations report of Zahhak Castle,* Tabriz: Cultural Heritage and Tourism.
- Godard, A. (1934). *Les monuments de Marāgha* (No. 9). E. Leroux.
- Haddon, R. A. W. (2011). *Fourteenth century fine glazed wares produced in the Iranian world, and comparisons with contemporary ones from the Golden Horde and Mamlūk Syria/Egypt* (Doctoral dissertation, SOAS, University of London).
- Hamawi, Y. (1947). *Mu'jam ul-Buldān,* Tehran: Cultural Heritage and Tourism Publications.
- Hemmati Azandariani, I., Khaksar, A., & Shabani, M. (2016). Study and analysis of pottery of the Islamic period, Saman Malayer underground architecture complex, *Archaeological Research,* (7)13, 189 - 206.
- Hindushah I. (1979). *The Experiences of Saif,* edited by Abbas Iqbal Ashtiani, Tehran: Tahoori.
- Ḥudūd al-‘Ālam (2002). Revised by: Mohaqeq Yusuf Hadi, Cairo: Publisher of the Cultural Publishing House.
- Ibn Fuvati, A. (1996). *Al-Adab Association in the Dictionary of Titles,* Tehran: Farhang va Ershad Publications.
- Ibn Ruste, A. (1892). *Al-aalagh al-Nafsiyah,* Beirut: Dar Sader.
- IbnKhordad Beh, O. (1889). *Masalek va Mamalek,* Beirut: Dar Sader Publications.
- Khwandmir, Gh. (2001). *History of Habib Al-Seir fi akhbare afrad al-bashar,* Volume II, under the supervision of Mohammad Dabirsiyaghi, Tehran: Asatir.
- Kleiss, W. (1969). *Berich Uber zwei Erkundungsfahrten in Nordwest-Iran.* *Archaeologische Mitteilungen Aus Iran,* 1, 54.
- Kleiss, W. (1970). *Zur topographie des Partherhanges in Bisutun.*
- Kleiss, W. (1973). *Qal'eh Zohak in Azerbaidjan.* *AMI, NS, 6,* 163-88.
- Kroll, S., & Kleiss, W. (1979). *Bastam I. Ausgrabungen in den urartäischen Anlagen 1972-1975.*
- Lesting, G. (1998). *Historical Geography of the Eastern Caliphate,* translated by Mahmoud Erfani, Tehran: Scientific and Cultural Publications.
- Mahjoor, F., & Sedighiyan, H. (2009). Study of Islamic pottery in Meshkinatepe Parandak area in Markazi province, *Payam Bastan Magazine,* (6)12, 120-105.
- Mohammadi, M., & Shabani, M. (2016). An Introduction and Analyses of Islamic Pottery of Zino-Abad, Bahar County, Hamadan Province. *Pazhoheshha-ye Bastan shenasi Iran,* 6(11), 135-150.
- Morgan, P. H. (2005). *Change and continuity in II „I-Khaī „nid Iran: the ceramic evidence* (Doctoral dissertation, University of Oxford).
- Morvarid, Y. (1981). *Maragheh (Afrazeh River),* Tehran: Ouhadi.
- Mostofi, H. (2002). *Nozhat al-Qulub,* edited by Mohammad DabirSiyaghi, Qazvin: Hadith Emrooz Publications.
- Nasir al-Din al-Tusi, M. (1989). *Ilkhani Tansukhnameh,* Mohasses Mohammad Taghi Modarres Razavi, Tehran: Information.
- Qazvini, Zakaria I. (1995). *Al-Ebad Akhbar al-Balad,* translated by Mirza Jahangir Qajar, Tehran: Amirkabir Publications.
- Sattarnejad, S., Parvin, C. & Hendiani, E. (2020). Chronology of the Historical Context of Maragheh City Based on Archaeological Exploration and Historical Written Sources. *Краткие сообщения Института археологии,* (260), 397-406.
- Sattarnezhad, S., Hajizadeh K, Rezaloo R, Maroufi E. (2020). Classification and Analysis of Troglodytic Architecture, Man-made Cave, in the county of Maragheh. *JHRE.* 39 (170), 53-66.



- Sharahi I., & Sedighian, H. (2019). Archaeological Investigation of Medieval Islamic Potteries from Troglodytic Structure of Tahigh, Khomein. *Parseh J Archaeol Stud.* 3 (8), 141-158.
- Solecki, R. (1999). Archaeological Surveys in West Azerbaijan, *Collection of Archaeological and Artistic Articles of Iran 32 Articles in Honor of Ezatullah Neghaban*, Authors Sadegh Malek Shahmirzadi, Yousef Majidzadeh, Abbas Alizadeh, Tehran: University Press.
- Treptow, T., & Whitcomb, D. S. (2007). *Daily Life Ornamented: The Medieval Persian City of Rayy*. Oriental Institute of the University of Chicago.
- Varjavand, P. (2005). *Excavtion at Maragheh Observatory*, Tehran: Amirkabir.
- Velayati, R. (2017). *Report on the excavation of the Islamic historical city of Ojan: the first chapter of the excavation of the royal citadel*, Tehran: Archaeological Research Institute
- Yazdanfar, S, Naserdoust; Z., Zarabi Al-Hosseini, M. (2016). *An Introduction to the Housing Pattern of Maragheh According to Lifestyle over Time*, Tehran: University of Tehran.
- Zarei, M. (2012). *Final Report of Archaeological Excavation in Dargazin Islamic Period*, Cultural Heritage Archive.
- Zarei, M., Khaksar, A., Motarjem, A., Amini, F., Dini, A. (2015). Survey and Study of Ilkahanid Pottery from Archaeological Excavations in Arzanfood. *Journal of Archaeological Studies*, 6(2), 73-90.